

رابطه شکست عاطفی، سبک‌های دفاعی و اختلال ناگویی هیجانی با نقش تعدیل‌کنندگی جنسیت
*The study of relationship between romantic breakups, Defense mechanism, alexithymia
with a role of gender as a mediator*

Abdolah Motamedi (Corresponding author)
Associate Prof., Department of Psychology, Allameh
Tabatabaee University, Tehran, Iran
A_moatamedy@yahoo.com
Negar Samadani
M.A. in General Psychology, Allameh Tabatabaee
University, Tehran, Iran
Negar.samadani@gmail.com

عبدالله متمدنی (نویسنده مسئول)
دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،
ایران
نگار صمدانی
دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی،
تهران، ایران

Abstract

Aim: The aim of this study was to examine the association of defense mechanism, alexithymia, romantic relationships break up and gender differences as a mediator of this study. **Method:** The method of this research was to ex-post-facto and the population of this study concluded that 108 students of Allameh Tabatabaeei's university. In this research, the first, all participants were asked to complete Love trauma inventory (LTI), Farsi version of the Toronto Alexithymia Scale (FTAS-20) and Defense Style Questionnaires (DSQ-40). Then based on their Love trauma final scores, 40 female and 31 male were selected. **Results:** All Result revealed that the frequency of immature defense style in women is more than men and women used Autistic withdrawal and somatization more than men. **Conclusion:** It can be concluded that romantic relationship break up could not predict the defense style and the existence of Alexithymia and also there were no significant relation between gender and defense mechanisms.

Keywords: Gender, romantic breakup, Alexithymia, psychological defense style.

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تفاوت جنسیتی در استفاده از مکانیسم‌های دفاعی پس از شکست عاطفی و رابطه آن با اختلال ناگویی هیجانی در جوانان دارای شکست عاطفی است. **روش:** بررسی حاضر به روش علی-مقایسه‌ای صورت گرفته است. برای این منظور تعداد ۱۰۸ نفر دانشجوی به روش نمونه-گیری خوشه‌ای انتخاب شده و هر دو گروه پرسشنامه‌های مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو، ضربه عشق و پرسشنامه مکانیسم دفاعی (DSQ-40) را پر کرده‌اند. از این تعداد تنها ۳۱ پسر و ۴۰ دختر نمره لازم در مقیاس ضربه عشق را کسب نموده و تجزیه تحلیل داده‌ها روی آنها صورت گرفت. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد که فراوانی استفاده از سبک دفاعی رشد نایافته در زنان بیشتر از گروه مردان است. همچنین زنان بیشتر از مردان از دفاع بدنی سازی و خیالپردازی اوتیستیک استفاده نموده‌اند. **نتیجه‌گیری:** این پژوهش نشان داد که شکست عاطفی توانایی پیش‌بینی سبک مکانیسم‌های دفاعی و اختلال ناگویی هیجانی را ندارد. همچنین جنسیت نقش تعیین‌کننده‌ای در استفاده از انواع سبک دفاعی پس از شکست عاطفی بازی نمی‌کند.

کلید واژه‌ها: جنسیت، شکست عاطفی، مکانیسم‌های دفاعی، ناگویی هیجانی

مقدمه

در هر دوره از زندگی فرد درگیر روابط ویژه‌ای با دیگران است که می‌تواند سلامت فردی و اجتماعی او را ارتقاء بخشد یا وی را دچار آسیب کند. (موسوی، ۱۳۸۶). پایان دادن به یک رابطه رومانیتیک، یکی از پریشان‌کننده‌ترین اتفاقات زندگی است؛ حال چه این رابطه ازدواج باشد و یا خارج از ازدواج (باربر^۱، ۲۰۱۱). تفاوت‌های فردی بسیاری در واکنش به پایان یک رابطه رومانیتیک وجود دارد. برخی از افراد اختلالات جسمی و روانشناختی اندکی را گزارش می‌کنند، در حالی که برخی دیگر خشم و غم شدیدتری را تجربه می‌کنند (مارشال^۲، بجانیان^۳، فرنزچی^۴، ۲۰۱۳). برای آنان که میزان بالایی از درد و رنج را پس از پایان یافتن رابطه عاطفی تجربه می‌کنند، بازگشت به جای زخم حاصل از این جدایی در بحث‌ها و گفتگوهایشان غیرمعمول نیست (لاکر^۵، مک اینتاش^۶، هکنی^۷، ویلسون^۸، ۲۰۱۰). رأس^۹ (۱۹۹۹) نشانگان ضربه عشق^{۱۰} را برای اولین بار معرفی کرد و آن را مجموعه علائم و نشانه‌های شدید می‌داند که پس از فروپاشی یک رابطه رومانیتیک بروز می‌کند و عملکرد فرد را در زمینه‌های متعدد (تحصیلی، اجتماعی و حرفه‌ای) مختل می‌کند، واکنش‌های غیرانطباقی به دنبال دارد و مدت زمان زیادی این نشانه‌ها باقی می‌مانند. این فروپاشی آنقدر قدرتمند است که افسردگی و خشم، احساس ناامنی عمیق، احساس درماندگی، گناه، هراس، ناامیدی، بدبینی، بیقراری، آسیب‌پذیری، از دست دادن تمرکز و ... تولید می‌کند. صرف نظر از این که چه کسی رابطه را قطع می‌کند، انحلال یک رابطه، تجربه‌ی ناخوشایندی است (پورشریفی، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه همراه با شکست عشقی، اندوه، افسردگی، خشم و اضطراب در فرد ظاهر می‌شود (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱). اشخاص برای کاستن اضطراب ناشی از محرومیت یا فقدان دست به رفتارهای جبرانی سازشی می‌زنند و به عبارتی از مکانیزم‌های دفاعی استفاده می‌کنند (دیلامو^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۶). مکانیزم‌های دفاعی، فرآیندهای تنظیم‌کننده خودکاری هستند که برای کاهش اضطراب و به حداقل رساندن تغییرات ناگهانی و بر چگونگی ادراک حوادث تهدیدکننده، تأثیر می‌گذارند (کوستا^{۱۲}، برودی^{۱۳}، ۲۰۱۳).

مردان و زنان همچنین دارای سبک‌های مقابله‌ای متفاوتی هستند که منجر به بهبودی آنها پس از پایان رابطه می‌شود. فروید سبک دفاعی شخصی، یعنی فراوانی استفاده از مکانیزم‌های دفاعی متفاوت در مقایسه با دیگران را متغییر اصلی برای شناخت شخصیت، آسیب‌شناسی و میزان سازش یافتگی می‌دانست (فروید^{۱۴}، ۱۹۷۶). اندروز^{۱۵} و همکاران براساس طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی وایلنت (۱۹۹۶، ۱۹۹۷) در مورد مکانیزم‌های دفاعی، بیست مکانیزم را به سبک دفاعی رشدیافته^{۱۶}، روان‌رنجور^{۱۷} و رشدنا یافته^{۱۸}، شیوه‌های غیرانطباقی و ناکارآمد تقسیم کرده‌اند (باوند^{۱۹}، ۲۰۰۴). این سلسله‌مراتب توسط مطالعات دیگر با استفاده از پرسشنامه مکانیزم‌های

¹. Barber

². Marshall

³. Bejanyan

⁴. Ferenczi

⁵. Locker

⁶. McIntash

⁷. Hackney

⁸. Wilsons

⁹. Rosse, RB.

¹⁰. Love trauma syndrome

¹¹. Dlellamo F.

¹². Costa, R.M

¹³. Brody, M

¹⁴. Freud, Sigmund

¹⁵. Andrews

¹⁶. Mature

¹⁷. Neurotic

¹⁸. Immature

¹⁹. Bond, M.

دفاعی^۱ (DSQ-40) تأیید شده است (کوستا، براودی، ۲۰۱۳). مکانیسم‌های دفاعی رشدنا یافته می‌توانند بین گروه‌های سالم و گروه‌های بالینی مثل اختلالات اضطرابی، افسردگی و اختلال خوردن تمایز قائل شود. همچنین با شاخص‌های نشان دهنده سلامت روان پایین مثل ناگویی هیجانی^۲ (هلمس^۳ و همکاران، ۲۰۰۸) قویاً مرتبطند.

ناگویی هیجان‌ممن است به عنوان اختلال خود تنظیمی هیجانی در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر ناتوانی در پردازش اطلاعات شناختی و هیجانی توصیف می‌شود (بشارت، شهیدی، ۲۰۱۱). ناگویی هیجانی در واقع نوعی نقص و نارسایی خلقی است که باعث ناتوانی در پردازش شناختی^۴ اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها^۵ می‌شود (بشارت، ۱۳۹۳).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد مبتلا به ناگویی هیجانی در شناسایی هیجان‌ها از چهره دیگران مشکل دارند و ظرفیت آنها برای همدردی با حالت‌های هیجانی دیگران محدود است (ونهول و همکاران، ۲۰۰۶؛ ونهول، دسمت و ورهاگ و بوگارتس، ۲۰۰۷). آیا این نوع از مشکلات عاطفی - ارتباطی می‌تواند زمینه ساز مشکلات بین شخصی شوند؟

مشکلات بین شخصی، مشکلاتی هستند که در رابطه با دیگران تجربه می‌شوند و آشفتگی روانی ایجاد می‌کنند (هرویتز^۶، ۱۹۹۴)، یا با این دسته از ناراحتی‌ها (آشفتگی‌های روانی) در ارتباط قرار می‌گیرند. با توجه به این که افراد مبتلا به ناگویی هیجانی در شناسایی صحیح هیجان‌ها از چهره دیگران مشکل دارند (پارکر، همکاران، ۱۹۹۲؛ ونهول و همکاران، ۲۰۰۶) و ظرفیت آنها برای همدردی با حالت‌های هیجانی دیگران محدود است. فرض وجود مشکلات بین شخصی در افراد مبتلا به ناگویی هیجانی تقویت می‌شود (بشارت و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین به نظر می‌رسد رابطه‌ی عاشقانه، شکست‌های عاطفی و مشکلات بین شخصی نقش مهمی در بهداشت روان افراد دارد ولی فقر پژوهش در این زمینه حاکی از نادیده گرفتن چنین فقدان‌هایی است (اکبری، ۱۳۹۱). بیشتر مطالعاتی که در زمینه بهبود پس از بهم خوردن رابطه هستند روی بهبودی پس از طلاق متمرکزاند از این رو در پژوهش حاضر محقق سعی دارد به ۲ سؤال زیر پاسخ دهد:

- ۱- آیا شکست‌های عاطفی می‌توانند سبک‌های دفاعی و ناگویی هیجانی را پیش بینی کنند؟
- ۲- آیا شکست عاطفی با نقش تعدیل کننده‌ای جنسیت منجر به استفاده از انواع مکانیسم‌های دفاعی می‌شوند؟

روش

روش مورد استفاده در این تحقیق، روش تحقیق علی-مقایسه‌ای می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی به تعداد ۱۵۰ نفر بودند، که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تعداد ۱۰۸ نفر از آنها انتخاب شدند و پرسشنامه ضربه عشق (LTI) برای سنجش شدت ضربه عشق (رأس، ۱۹۹۹) را تکمیل نمودند. سپس پرسشنامه سبک‌های مکانیسم دفاعی و مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو را تکمیل نمودند. از این تعداد ۷۱ نفر (۳۱ مرد و ۴۰ زن) نمره لازم را کسب نمودند، از اینرو تجزیه و تحلیل داده‌ها روی آنها صورت گرفت.

ابزار

مقیاس ضربه عشق: مقیاسی است که رأس^۷ (۱۹۹۹) برای سنجش شدت ضربه عشق تهیه کرده است. این پرسشنامه از ده ماده تشکیل شده است که هر ماده چهار گزینه ایست و فرد لازم است تا بر اساس تجربه ضربه عشقی خود مناسب‌ترین گزینه را انتخاب

^۱. Defense mechanism questionnaires

^۲. Alexithymia

^۳. Helmes, E.

^۴. cognitive process

^۵. emotion regulation

^۶. Horowitz, L.M

^۷. Rosse

کند. این پرسشنامه یک ارزیابی کلی از میزان آشفتگی جسمی، هیجانی، شناختی و رفتاری فراهم می‌کند. نمره ۲۰ به عنوان نقطه برش در این پرسشنامه در نظر گرفته می‌شود (رأس، ۱۹۹۹). ضریب همسانی درونی (ضریب آلفا) این پرسشنامه در یک گروه ۴۸ نفری از جمعیت دانشجویی ۰/۸۱ است و ضریب اعتبار آن در همین گروه با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۸۳ بدست آمده است (دهقانی و همکاران، ۱۳۸۹).

مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو: بشارت (۱۳۹۲) می‌نویسد: "مقیاس فارسی ناگویی هیجانی تورنتو (بگبی^۱، پارکر^۲ و تیلور^۳، ۱۹۹۴) یک آزمون ۲۰ ماده‌ای است و سه زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات^۴، دشواری در توصیف احساسات^۵ و تفکر عینی^۶ را در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (کاملاً مخالف) تا نمره ۵ (کاملاً موافق) می‌سنجد. یک نمره‌ی کل نیز از جمع نمره‌های سه زیر مقیاس برای ناگویی هیجانی کلی محاسبه می‌شود. این مقیاس برای اجرا در نمونه‌های بالینی و عمومی مناسب است. ویژگی‌های روانسنجی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو-۲۰ در پژوهش‌های متعدد خارجی (پارکر، تیلور و بگبی، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳؛ تیلور و بگبی، ۲۰۰۰) و نسخه فارسی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو-۲۰ (FTAS-20؛ بشارت، ۲۰۰۷ الف، ۲۰۰۷ ب، ۲۰۰۸) تأیید شده است. برای آشنایی بیشتر با مبانی نظری و یافته‌های پژوهشی ناگویی هیجانی به منابع (بشارت و خجوی، ۲۰۱۳؛ بشارت و شهیدی، ۲۰۱۱؛ بشارت و شهیدی، ۲۰۱۳) مراجعه شود."

پرسشنامه سبک‌های دفاعی^۷: پرسشنامه‌ی سبک‌های دفاعی (DSQ) رفتار دفاعی را به وسیله‌ی ارزیابی تجربی مشتقات هشیار مکانیزم‌های دفاعی در زندگی روزمره مورد سنجش قرار می‌دهد. این پرسشنامه بر اساس الگوی سلسله مراتبی دفاع‌ها ساخته شده است. DSQ نخستین بار توسط باند و همکارانش به منظور بررسی مکانیزم‌های دفاعی در افراد بهنجار و بیمار در سال ۱۹۸۳ تدوین گردید که ۸۸ ماده را در بر می‌گرفت و ۲۴ مکانیزم را واری می‌نمود. آندروز و همکاران در ۱۹۸۹ با توجه به طبقه بندی DSM III-R و تعاریف ارائه شده در مورد مکانیزم‌های دفاعی، DSQ را مورد تجدید نظر قرار دادند و در نهایت DSQ-72 را ساختند. این نسخه‌ی جدید ۷۲ سوالی، ۲۰ مکانیزم‌های دفاعی را در سه سطح رشد یافته، روان آزوده، و رشد نیافته مورد ارزیابی قرار می‌داد. پرسشنامه‌ی سبک‌های دفاعی DSQ-40 در ایران نیز توسط حیدری نسب (۱۳۸۵) مورد بررسی و هنجاریابی قرار گرفت. مراحل هنجاریابی به طور کلی بعد از برگردان پرسشنامه به زبان فارسی و رفع نواقص آن به لحاظ ادبی در دو بخش روایی و اعتبار پیگیری شد. برای بررسی روایی محتوای آن، پرسشنامه به گروهی از متخصصان روانشناس ارائه و از آنها خواسته شد میزان ارتباط هر عبارت را با تعاریف مکانیزم‌ها دفاعی بر گرفته از منابع معتبر در یک مقیاس ۵ درجه‌ای که به سبک لیکرت تنظیم گردیده بود، مشخص کنند. جهت بررسی روایی همزمان، همبستگی مکانیزم‌ها با ویژگی‌های شخصیتی بر اساس پرسشنامه‌ی ۵ عاملی شخصیتی نئو (NEO-FFI) مورد مطالعه قرار گرفت. بنابر یافته‌های مربوط به روایی، مشخص شد پرسشنامه همانند نسخه‌ی اصلی از روایی مطلوبی برخوردار است. اعتبار پرسشنامه‌ی سبک‌های دفاعی نیز از طریق روش باز آزمایی و نیز محاسبه‌ی آلفای کرونباخ انجام شده است. ضریب اعتبار آلفا در گروه‌های مطالعه به تفکیک در دانش آموزان و دانشجویان و جنسیت گروه نمونه گیری و نیز سبک‌های دفاعی نشان داده شد. بالاترین آلفای کلی در مردان دانشجو (۰/۸۱) و پایین‌ترین آلفای کلی در دختران دانش آموز (۰/۶۹) مشاهده شد. در

¹ Bagby, R.M

² Parker, J.A.D

³ Tylore, G.J

⁴ difficulty identifying feelings

⁵ difficulty describing feelings

⁶ externally oriented thinking

⁷ Defense style questionnaire

سبک‌های دفاعی، بالاترین آلفا مربوط به سبک رشد نیافته (۰/۷۲) و کمترین مربوط به سبک روان آزرده بود (۰/۵۰). همچنین بالاترین ضریب بین دو نیمه به مردان دانشجو و کمترین آن به سبک روان آزرده مربوط می‌شد. همه‌ی همبستگی‌های مربوط به دوبار اجرای پرسشنامه در گروه‌های مورد مطالعه در مقایسه با مقادیر بحرانی معنا دار بودند. همچنین بشارت و همکاران (۱۳۸۰)، ضریب آلفای کرونباخ را برای هر یک از سبک‌های رشد یافته، رشد نیافته و روان آزرده به ترتیب برابر با ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۴ و ضریب اعتبار باز آزمایی را با فاصله‌ی ۴ هفته ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند. بر اساس این یافته، مشخص گردید پرسشنامه‌ی سبک‌های دفاعی در گروه‌های مورد مطالعه از اعتبار مناسبی برخوردار است. (حیدری نسب، ۱۳۸۵).

یافته‌ها

جدول ۱- فراوانی مربوط به سبک‌های دفاعی

سبک‌های دفاعی	فراوانی		درصد فراوانی	
	مردان	زنان	مردان	زنان
رشد نیافته	۷	۱۶	۲۳	۴۰/۰۰
رشد یافته	۱۷	۱۷	۳۴	۵۴/۸۴
روان آزرده	۷	۷	۱۴	۲۲/۵۸

نمونه پژوهش شامل ۷۱ نفر بود که ۴۰ نفر (۵۶/۳۳٪) را زنان و ۳۱ نفر (۴۳/۶۶٪) را مردان تشکیل می‌دادند. جدول ۱ فراوانی مربوط به سبک‌های دفاعی نشان می‌دهد. همچنین آزمودنی‌ها با سبک‌های دفاعی مختلف مکانیزم‌های دفاعی متعددی را به کار گرفتند که فراوانی آنها در جدول ۲ گزارش شده است. در این میان مکانیزم‌های دفاعی ۱۶۶ مرتبه (۵۶/۴۶٪) توسط زنان و ۱۲۸ مرتبه (۴۳/۵۳٪) توسط مردان به کار گرفته شد. در میان مکانیزم‌های دفاعی، در هر دو گروه زنان و مردان خیال‌پردازی اوتیستیک بیشتر از همه (۳۵ مرتبه) و نارزنده‌سازی کمتر از همه (۴ مرتبه) به کار گرفته شد.

جدول ۲- فراوانی مربوط به مکانیزم‌های دفاعی

مکانیزم‌های دفاعی	فراوانی			درصد فراوانی		
	مردان	زنان	کل	مردان	زنان	کل
دلیل تراشی	۱۵	۱۴	۲۹	۱۰/۹۳	۹/۰۳	۹/۸۶
فراکنی	۵	۱	۶	۰/۷۸	۳/۰۱	۲/۰۴
انکار	۷	۳	۱۰	۲/۳۴	۴/۲۱	۳/۴۰
همه کار توانی	۲	۴	۶	۳/۱۲	۱/۲۰	۲/۰۴
نارزنده‌سازی	۴	۰	۴	۰	۲/۴۰	۱/۳۶
گذار به عمل	۱۰	۱۲	۲۲	۹/۳۷	۶/۰۲	۷/۴۸
بدنی‌سازی	۲۲	۷	۲۹	۵/۴۶	۱۳/۲۵	۹/۸۶
خیال‌پردازی اوتیستیک	۲۰	۱۵	۳۵	۱۱/۷۱	۱۲/۰۴	۱۱/۹۰
لایه‌سازی	۲	۴	۶	۳/۱۲	۱/۲۰	۲/۰۴
پرخاشگری منفعلانه	۵	۳	۸	۲/۳۴	۳/۰۱	۲/۷۲
جابجایی	۶	۴	۱۰	۳/۱۲	۳/۶۱	۳/۴۰
مجزاسازی	۳	۲	۵	۱/۵۶	۱/۸۰	۱/۷۰
فرونشانی	۶	۵	۱۱	۳/۹۰	۳/۶۱	۳/۷۴
والایش	۱۰	۷	۱۷	۵/۴۶	۶/۰۲	۵/۷۸
شوخی طبیعی	۱۴	۱۱	۲۵	۸/۵۹	۸/۴۳	۸/۵۰
پیشاپیش‌نگری	۳	۲	۵	۱/۵۶	۱/۸۰	۱/۷۰
دیگردوستی کاذب	۹	۱۱	۲۰	۸/۵۹	۵/۴۲	۶/۸۰
تشکل واکنشی	۱	۵	۶	۳/۹۰	۰/۶۰	۲/۰۴
عقلانی‌سازی	۱۰	۹	۱۹	۷/۰۳	۶/۰۲	۶/۴۶
ابطال	۱۲	۹	۲۱	۷/۰۳	۷/۲۲	۷/۱۴

یافته‌های توصیفی: از میان شاخص‌های توصیفی میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی برای متغیرهای پژوهش در هر دو گروه مردان و زنان و همچنین کل آزمودنی‌ها محاسبه شد. نتایج در جدول ۳ گزارش شده است. با توجه به اطلاعات جدول ۳ بیشترین میزان میانگین در همه گروه‌ها مربوط به ناگویی هیجانی و کمترین آن مربوط به سبک دفاعی روان‌آزرده است. شاخص‌های کجی و کشیدگی متغیرها در همه گروه‌ها بین ۲ و ۲- قرار دارد که بیانگر نزدیک بودن توزیع متغیرهای پژوهش به توزیع نرمال است و می‌توان از تحلیل‌های آماری پارامتریک استفاده کرد.

جدول ۳- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین		انحراف استاندارد		کجی		کشیدگی	
	مردان	زنان	کل	مردان	زنان	کل	مردان	زنان
سبک دفاعی رشد نیافته	۸/۵۶	۸/۶۱	۲/۵۵	۲/۴۸	۲/۵۰	۰/۴۳	۰/۱۰	۰/۲۹
سبک دفاعی رشد یافته	۹/۹۲	۸/۹۸	۲/۷۳	۲/۹۲	۲/۸۴	۰/۲۱	۰/۰۵	۰/۱۵
سبک دفاعی روان‌آزرده	۸/۹۱	۷/۹۸	۲/۷۰	۲/۹۰	۲/۸۱	۰/۳۰	۰/۵۸	۰/۴۴
ناگویی هیجانی	۵۳/۹۶	۴۷/۳۰	۵۰/۲۱	۹/۸۶	۹/۰۳	۱۰/۰۱	۰/۰۰	-۱/۰۳
شکست عاطفی	۲۱/۵۴	۲۲/۲۵	۲۱/۹۴	۲/۸۸	۲/۵۵	۰/۹۹	۱/۴۵	۱/۲۱

طبق جدول همبستگی سبک دفاعی روان‌آزرده با سبک‌های رشد یافته و رشد نیافته به ترتیب در حد ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار است. اما همبستگی شکست عاطفی با سبک‌های دفاعی و ناگویی هیجانی معنادار نشده است. همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴- ماتریس همبستگی متغیرها

متغیرها	سبک دفاعی رشد نیافته	سبک دفاعی رشد یافته	سبک دفاعی روان‌آزرده	ناگویی هیجانی	شکست عاطفی
سبک دفاعی رشد نیافته	۱/۰۰				
سبک دفاعی رشد یافته	۰/۲۰۳	۱/۰۰			
سبک دفاعی روان‌آزرده	۰/۲۷۲*	۰/۴۴۱**	۱/۰۰		
ناگویی هیجانی	۰/۱۱۴	-۰/۰۳۱	۰/۱۵۳	۱/۰۰	
شکست عاطفی	-۰/۰۱۲	-۰/۱۳۴	۰/۰۳۴	-۰/۱۳۷	۱/۰۰

یافته‌های استنباطی: برای بررسی سوال اول مبنی بر توانایی پیش‌بینی سبک‌های دفاعی و ناگویی هیجانی بر اساس شکست عاطفی از روش رگرسیون ساده استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ گزارش شده است. بر اساس نتایج رگرسیون آماره F در مورد منابع تغییر و همچنین آماره t در مورد ضریب رگرسیون برای هیچ یک از متغیرهای ملاک معنادار نشده است. بنابراین فرض صفر تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که شکست عاطفی نمی‌تواند سبک‌های دفاعی و همچنین ناگویی هیجانی را پیش‌بینی کند. بنابر اطلاعات به دست آمده شکست عاطفی ۱/۴ درصد از تغییرات سبک‌های دفاعی و فقط ۰/۵ درصد از تغییرات ناگویی هیجانی را تبیین می‌کند که سهم بسیار اندکی است.

جدول ۵- نتایج رگرسیون ساده مربوط به پیش‌بینی سبک‌های دفاعی و ناگویی هیجانی

متغیر ملاک	R^2 تعدیل شده	منابع تغییر	SS	df	MS	F	p	β	T	p
سبک‌های دفاعی	۰/۰۱۴	رگرسیون	۰/۲۸۹	۱	۰/۲۸۹	۰/۰۴	۰/۸۳	-۰/۰۲	-۰/۲۱	۰/۸۳
		باقیمانده	۴۴۷/۷۶	۶۹	۶/۴۸					
		کل	۴۴۸/۰۵	۷۰						
ناگویی هیجانی	۰/۰۰۵	رگرسیون	۱۳۱/۸۶	۱	۱۳۱/۸۶	۱/۳۲	۰/۲۵	-۰/۱۳	-۱/۱۴	۰/۲۵
		باقیمانده	۶۸۸۹/۹۶	۶۹	۹۹/۸۵					
		کل	۷۰۲۱/۸۳	۷۰						

متغیر پیش‌بین: شکست عاطفی

برای بررسی سوال دوم مبنی بر اینکه شکست عاطفی می‌تواند با تعدیل‌کنندگی جنسیت، سبک‌های دفاعی را پیش‌بینی کند از روش رگرسیون ساده استفاده شد تا با آزمودن تفاوت ضرایب رگرسیون گروه زنان و مردان نقش تعدیل‌کنندگی جنسیت را بررسی کنیم. طبق نتایج آماره F در مورد منابع تغییر و همچنین آماره t در مورد ضریب رگرسیون برای هیچ یک از گروه‌ها معنادار نشده است. چون نتایج تحلیل رگرسیون در هیچ یک از دو گروه معنادار نشده است نیازی به بررسی تفاوت ضرایب رگرسیون نیست. بنابراین فرض صفر تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که شکست عاطفی نمی‌تواند سبک‌های دفاعی را با تعدیل‌کنندگی جنسیت پیش‌بینی کند. شکست عاطفی فقط ۰/۲ درصد از تغییرات سبک‌های دفاعی را در زنان و ۲/۷ درصد از آن را در مردان تبیین می‌کند و سهم بسیار ناچیزی است.

جدول ۶- نتایج رگرسیون ساده مربوط به پیش‌بینی سبک‌های دفاعی

گروه‌ها	R^2 تعدیل‌شده	منابع تغییر	SS	Df	MS	F	p	β	t	p
زنان	۰/۰۰۲	رگرسیون	۵/۱۹	۱	۵/۱۹	۰/۹۲	۰/۳۴	۰-/۱۵	-۰/۹۵	۰/۳۴
		باقیمانده	۲۱۴/۶۴	۳۸	۵/۶۴					
		کل	۲۱۹/۸۴	۳۹						
مردان	۰/۰۲۷	رگرسیون	۱۲/۷۹	۱	۱۲/۷۹	۱/۸۲	۰/۱۸	۰/۲۴	۱/۳۵	۰/۱۸
		باقیمانده	۲۰۳/۱۷	۲۹	۷/۰۰					
		کل	۲۱۵/۹۷	۳۰						

متغیر پیش‌بین: شکست عاطفی

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش ابتدا نقش پیش‌بینی کننده شکست عاطفی در استفاده از مکانیسم‌های دفاعی و ناگویی هیجانی بررسی شد، سپس به نقش تعدیل‌کنندگی جنسیت در استفاده از انواع سبک‌های دفاعی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که شکست عاطفی توانایی پیش‌بینی سبک‌های دفاعی و احتمال اختلال ناگویی هیجانی را ندارد. همچنین جنسیت به عنوان متغیر تعدیل‌کننده نقشی در استفاده از مکانیسم‌های دفاعی ندارد. این یافته منطبق با پژوهش موسی زاده و همکارانش (۱۳۸۸) در بررسی تفاوت جنسیت در استفاده از مکانیسم‌های دفاعی در بیماران دیابتی است، به این معنی که در شرایط بحرانی و اضطراب از زنان و مردان به یک میزان از سبک‌های دفاعی مختلف استفاده می‌کنند، می‌باشد. هم چنین با نتیجه تحقیق دیگری (حمیدی، ۱۳۹۱) مبنی بر اینکه بین میانگین سبک دفاعی رشد نیافته زنان و مردان تفاوت معنا دار وجود ندارد منطبق است. البته با توجه به داده‌های جدول ۳، میانگین سبک دفاعی رشد نیافته در زنان بیشتر از مردان است که با نتایج پژوهش حمیدی (۱۳۹۱) منطبق است. یعنی زنان در مقایسه با مردان در زمان رویارویی با فقدان، سوگ و شرایط استرس زا بیشتر از مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته: خیال‌پردازی اوتیستیک، بدنی سازی، پرخاشگری منفعلانه، انکار استفاده می‌کنند. همچنین وجود تفاوت‌های جنسیتی سیستماتیک در دل‌بستگی^۱ در نظریه تکاملی پیش‌بینی شده است (دل‌گویدایس^۲، بلسکیف^۳، ۲۰۱۰؛ کریک پاتریک^۴، ۱۹۹۸). از این نظر، کناره‌گیری رمانتیک به عنوان راهبردی مردانه برای کوچک شمردن میزان تعهد به رابطه‌ی طولانی مدت و اضطراب به عنوان استراتژی رایج زنانه برای قوت بخشیدن و بزرگ کردن سرمایه‌گذاری عاطفی روی شریک عشقی و خانواده قابل فهم است (دل‌گویدایس، ۲۰۰۹). داده‌های تجربی موجود نیز از

^۱. Attachment
^۲. Del Giudice
^۳. Belsky
^۴. Kirkpatrick

پیش‌بینی‌های تکاملی در میان کشورها حمایت می‌کند که مردان اجتناب بیشتر و اضطراب کمتری را نسبت به زنان نشان می‌دهند (گویدایس، ۲۰۱۵)؛ از این رو فراوانی استفاده‌ی بیشتر از مکانیسم‌های دفاعی در زنان که از نتایج این پژوهش بدست آمده است به موجب تجربه‌ی اضطراب بیشتر قابل توجیه است. همچنین بنابر گزارش مندرج در جدول شماره ۲، بیشترین دفاع استفاده شده در هر دو گروه زنان و مردان، خیالپردازی و تستیک است که در این میان بسیار بیشتر توسط زنان استفاده می‌شود. همچنین بدنی‌سازی از دفاع‌های غالب مورد استفاده در زنان است. همچنین می‌توان به این یافته اشاره کرد که با اینکه میانگین استفاده از مکانیسم‌های دفاعی روان‌آزرده و رشد یافته بین زنان و مردان تفاوت معناداری ندارد ولی در مردان بالاتر از زنان است که با نتایج پژوهش حمیدی (۱۳۹۱) در دانشگاه تربیت مدرس اجرا شد مخالف است. تفاوت معنا داری در میانگین استفاده از مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته که شامل شوخ طبعی، والايش، فرونشانی و پیش‌بینی است وجود ندارد ولی مردان بیشتر از این سبک دفاعی در مقایسه با زنان استفاده می‌کنند؛ این نتایج نیز با نتایج پژوهش حمیدی (۱۳۹۱) همخوان است. از دیگر نتایج این پژوهش می‌توان به بالاتر بودن میانگین ناگویی هیجانی در گروه مردان اشاره کرد که با نتایج پژوهش کارپنتر (۲۰۰۰) همخوان است. در تحقیقی که توسط بشارت و شهیدی (۲۰۱۱) روی ۳۴۲ نفر دانشجو انجام شد. نتایج نشان داد که ناگویی هیجانی و مؤلفه‌هایش با نمره‌های سبک دفاعی رشد یافته همبستگی منفی دارند و با سبک دفاعی نورو تیک و رشد نیافته همبستگی مثبت، این یافته‌ها به نوبه خود با تحقیقات قبلی (برای مثال وایز و همکاران، ۱۹۹۱؛ تیلور، ۲۰۰۰) هماهنگ بود. هر پژوهش کنار دستاوردهای علمی و کاربردی، دارای محدودیت‌هایی است که با رفع آنها در پژوهش‌های بعدی می‌توان به نتایج بهتری دست یافت که این پژوهش نیز از این قاعده مبرا نیست. با توجه به محدود بودن نمونه‌ی پژوهش به دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی باید در تعمیم یافته‌ها احتیاط کرد. همچنین از آنجایی که بررسی فقط بر روی دانشجویان بوده نمی‌توان نتایج را به کل افراد تعمیم داد. همچنین پیشنهاد می‌شود این پژوهش برای گروه‌های دیگر با رشته تحصیلی متفاوت و در مناطق یا استان‌های دیگر با اعمال کنترل بیشتر روی ویژگی‌های جمعیت شناختی (سن، تحصیلات و غیره) نیز اجرا شود.

منابع

- اکبری، ابراهیم؛ خانجانی، زینب؛ پورشریفی، حمید؛ علیلو، مجید؛ عظیمی، زینب (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی درمان تحلیل رفتار متقابل با درمان شناختی- رفتاری در بهبود علائم مرضی شکست عاطفی دانشجویان. مجله روانشناسی بالینی، سال چهارم، شماره ۳، (پیاپی ۱۵): ۱۰۱-۸۷.
- بشارت، محمدعلی؛ شریفی، ماندانا؛ ایروانی، محمد؛ (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی. مجله روانشناسی، ۱۹، سال پنجم، شماره ۳: ۲۷۷-۲۸۹.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۹۱). نقش واسطه‌ای مکانیزم‌های دفاعی در رابطه بین سبک‌های دفاعی و ناگویی هیجانی. فصلنامه روانشناسی کاربردی. سال ۶، شماره ۱ (۲۱).
- بشارت، محمدعلی؛ گرانمایه پور، شیوا؛ پورنقدعلی، علی؛ افقی، زهرا؛ حبیب‌نژاد، محمد (۱۳۹۱). رابطه‌ی ناگویی هیجانی و مشکلات بین شخصی: نقش تعدیل کننده سبک‌های دلبستگی. روانشناسی معاصر، شماره ۹ (۱): ۱۶-۳.
- بشارت، محمدعلی. مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو: پرسشنامه، روش اجرا و نمره گذاری (نسخه فارسی)، ۱۳۹۲، مجله روانشناسی تحولی، روانشناسان ایرانی، سال دهم، شماره ۳۷: ۹۲-۹۰.
- حمیدی، فریده (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای مکانیزم‌های دفاعی و سلامت روانی دانشجویان تربیت دبیر به تفکیک جنسیت. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده. سال هفتم، شماره ۲۰: ۱۳۰-۱۱۱.
- حیدری نسب، لایلا (۱۳۸۵)، مقایسه مکانیزم‌های دفاعی در نمونه‌های بالینی و غیر بالینی براساس هنجاریابی و یافته‌های مبتنی بر روانسنجی پرسشنامه ایرانی سبک‌های دفاعی (DSQ). رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

- دهقانی، محمود (۱۳۸۹). کارایی روان‌درمانی کوتاه مدت تنظیم‌کننده‌ی اضطراب در بهبود نشانگان ضربه عشق. پایان‌نامه دکتری روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- فهیمی، صمد؛ عظیمی؛ زینب، اکبری، ابراهیم؛ امیریپنجاکلایی، احمد؛ پورشریفی، حمید (۱۳۹۲). پیش‌بینی نشانگان بالینی در دانشجویان دارای تجربه شکست عاطفی بر اساس ساختارهای شخصیتی: نقش تعدیل‌کننده‌ی حمایت اجتماعی ادراک شده. *مجله دانش و تندرستی*، دوره ۹، شماره ۴: ۵۹-۴۶.
- موسی زاده، توکل؛ ادیب، عزیزا...؛ متولی، رؤیا. (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی میزان و نحوه استفاده از مکانیسم‌های دفاعی در بین بیماران دیابتی و افراد سالم در سال ۱۳۸۶. *مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی*، دوره ۱۹، شماره ۱۳۸۸: ۶۱-۶۴.
- Barber, Lindsay L. (2011). *Getting over a relationship break up: testing two interventions to facilitate recovery..* Proquest LLC, UMI: 3515805.
- Besharat, M. A. (2007a). *Reliability and factorial validity of a Farsi version of the Toronto Alexithymia Scale with a sample of Iranian students. Psychological Reports*, 101, 209-220.
- Besharat, M. A. (2010). *Relationship of alexithymia with coping styles and interpersonal problems. Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5: 614497.
- Besharat, M.A. Shahidi, Shahriar. (2011). *what is the relationship between alexithymia and ego defense styles? A correlation study with Iranian students. Asian Journal of psychiatry* 4 (2011). 145-149.
- Bond, M. (2004). *Empirical Studies of defense style: relationships with psychopathology and change. Harvard Review of psychiatry* 12. 263-278.
- Brody, S., Carson, C.M. (2012). Brief report: *self-harm is associated with immature defense mechanisms but not substance use in a nonclinical Scottish adolescent sample. Journal of Adolescence* 35, 765-767.
- Brody, S., Costa, R.M., Hess, U. (2012). *Immature psychological defense mechanisms and the misrepresentations of some sex researchers. Sexual and Relationship Therapy* 27, 243-259.
- Carpenter, Kelly M., Addis Michael E. (2000). *Alexithymia, Gender, and Responses to Depressive Symptoms. Sex roles*, November 2000, Volume 43, Issue 9-10, pp 629-644
- Dehghani M. (2011). *The efficacy of short-term anxiety regulating psychotherapy on love trauma syndrome. Iran J Psychiatry Behave Sci. Autumn-Winter; 5(2): 18-25.*
- Del Giudice, M. (2015). *Sex differences in romantic attachment: a fact-level Analysis: Department of psychology, university of New Mexico, Logan Hall, 2001 Redondo. Dr. NE, Albuquerque, NM 87131, USA.*
- Costa, Rui Miguel; Brody, Stuart (2013). *Immature psychological defense mechanisms are associated with greater personal importance of Junk food, alcohol and television. School of social science, University of the Scotland, United Kingdom. Available at Science Direct.*
- Davis, D., Shaver, P.R., & Vernon, M.L. (2003). *Physical, emotional, and behavioral reactions to breaking up: The roles of gender, age, emotional involvement, and attachment style. Personality and Social Psychology Bulletin*, 29(7), 871-884.
- Dlellamo, F., Gigozzi, F., Salvo, V., Fagnani, F., Roselli, A., Rizzo, M., Malacarne, M, Pagani & Lucini, D. (2006). *Autonomic and psychological adaptation Olympic rowers. Journal sports med phys Fitness*. 46(4)/598-604.
- Freud, (1976). *The Dissolution of the Oedipus Complex" in On Sexuality. The Penguin Freud Library. Vol.7, trans. James Strachey, ed. Angela Richards. London, New York, and Ringwood, Victoria: Penguin Books.*
- Helmes, E., McNeill, P.D., Holden, R.R., Jackson, C., 2008. The construct of alexithymia: associations with defense mechanisms. *Journal of Clinical Psychology* 64, 318-331.
- Horowitz, L. M. (1994). *Pschemas, psychopathology, and psychotherapy research. Psychotherapy Research*, 4, 1-19
- Locker, JR. Lawrence; McIntosh, William D; Hackney, Amy; Wilson, Janie H and Wiegand, Katherine E. *The Breakup of Romantic relationships: Situational predictors of perception of recovery. North American Journal of psychology*, 2010. Vol 12, No 3, 565-578.
- Marshall, Tara C., Bejanyan, K., Ferenczi, N. (2013). *Attachment styles and personal growth following romantic breakups: The mediating roles of distress, rumination and tendency to rebound. Department of psychology, Brunel University. United Kingdom. PLoS One* 8(9): e75161. doi:10.1371/journal.pone.0075161.
- Parker, J.D.A., Taylor, G.J., Bagby, R.M., (2001). *The relationship between emotional intelligence and alexithymia. Personality and Individual Differences* 30, 107-115.
- Rosse RB. *The love trauma syndrome: free yourself from the pain of a broken. First ed. Perseus Publishing, a Member of the Perseus Books Group; (1999): 9-270.*
- Vanheule, S., Desmet, M., Rosseel, Y. Verhaeghe, P., & Meganck, R. (2006). *Relationship patterns in Alexithymia: A study using the core conflictual relationship theme method. Psychopathology*, 40, 14-21.

- Viallant, GE (2001). *Defense Mechanism*. In: AE. Kazdin, (Ed) Encyclopedia of Psychology Oxford University presses.
- Wise T.N., Mann L.S., Epstein S. (1991) *Ego Defensive Styles and Alexithymia: A Discriminant Validation Study*. Psychother Psychosom 1991; 56:141-145.
- Zeitlin, S.B., McNally, R.J., 1993. *Alexithymia and anxiety sensitivity in panic disorder and obsessive disorder*. American Journal of Psychiatry 150, 658-660.